

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب آسیا

* حجت اله نوری ساری *

تاریخ پذیرش ۹۸/۰۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۸

چکیده

سه قرائت از اسلام به عنوان سه مدل حکومتی رقیب در منطقه غرب آسیا سعی دارند تا خود را به عنوان الگوی برتر معرفی کنند. پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی به رشته تحریر درآمده است که «رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا، با کدام خوانش از اسلام در منطقه غرب آسیا انطباق بیشتری دارد و لندن توسعه کدام قرائت از اسلام را ترجیح می‌دهد؟». نتایج این پژوهش گویای آنست که بیشترین ناهمخوانی و عدم انطباق میان رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا با نمایندگان اسلام ناب محمدی است تا جایی که هیچ‌گاه این تعارض، به سازش و تعامل منتج نمی‌شود. از سوی دیگر انگلیسی‌ها به دلیل قرابت‌های نگرشی و فرهنگی با نمایندگان اسلام سکولار، کمترین چالش را با این تلقی از اسلام دارند. اسلام وهابی نیز به دلیل بازی در پازل دیپلماسی عمومی بریتانیا و تأمین اهداف کلان آن، که از طریق ارائه الگویی غیرانسانی و خشن از شریعت محقق می‌شود، پس از مدل اسلام سکولار برای مقامات لندن از اولویت برخوردار است. همچنین در جریان بیداری اسلامی، مقامات بریتانیا به منظور ایجاد همگرایی بیشتر میان نمایندگان اسلام سکولار و وهابی جهت مقابله با نماد اسلام اصیل وارد عمل شدند.

کلید واژگان: دیپلماسی عمومی، بریتانیا، انگلیس، اسلام ناب، اسلام سکولار و اسلام وهابی.

مقدمه

جان بینگهام^۱ دبیر گروه مذهبی وبسایت تلگراف^۲ در گزارشی با عنوان «شمار کودکان مسلمان در بریتانیا در یک دهه دو برابر می‌شود» نوشت: مطالعات نشان می‌دهند که شمار کودکان مسلمان زیر پنج سال، طی یک دهه ۸۰ درصد افزایش یافته است. تعداد کودکان مسلمان در بریتانیا، در طول یک دهه تقریباً دو برابر شده است؛ چیزی که کارشناسان به عنوان تغییر بی‌سابقه در آرایش اجتماعی انگلیس توصیف می‌کنند. این گزارش به نقل از پروفیسور دیوید واس^۳ مدیر موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی در دانشگاه اسکس^۴ می‌نویسد:

«این امکان وجود دارد که این مسأله بتواند بر سیاست خارجی تأثیر بگذارد» (Bingham, 2015).

هر چند انتشار مطالبی از این دست، با هدف دامن‌زدن به موج اسلام‌هراسی در اروپا صورت می‌گیرد؛ با این وجود افزایش جمعیت مسلمانان بریتانیا و نقش‌آفرینی آنان در آینده سیاسی‌شان، تنها بخشی از نگرانی مقامات لندن را در قبال جامعه مسلمانان تشکیل می‌دهد. مواجه دولت بریتانیا با مسلمانان در مناطق فرابحری، به ویژه در منطقه غرب آسیا به شکل جدی‌تری ذهن دولت‌مردان انگلیسی را به خود مشغول نموده است.

1. John Bingham
2. Telegraph Media Group
3. David Voas
4. Institute for Social and Economic Research based at Essex University



تمرکز مقامات بریتانیا بر کشورهای اسلامی غرب آسیا ریشه در منافی دارد که لندن را ملزم می‌کند تا با حساسیتی مضاعف در منطقه حضور پیدا کند. چرا که رویکرد بریتانیا به این منطقه با منافع امنیتی و تجاری به ویژه در بازار پر سود انرژی و صادرات گره خورده است. در سال‌های اخیر انگلستان همکاری نزدیک اقتصادی خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس، در زمینه اهداف کوتاه مدت امنیتی‌اش نیز توسعه داده است. بنابراین بعید است که اولویت بریتانیا در منطقه در سال‌های آینده تغییر کند (Burke, 2014: 1).

مواجه گسترده و چند بُعدی دولت بریتانیا با مسلمانان در حوزه داخلی و خارجی موجب شده تا مقامات انگلیسی برای تأمین منافع ملی‌شان علاوه بر روابط دیپلماتیک با دولت‌های اسلامی، از رویکردهای نوین دیپلماسی عمومی برای تماس با ملت‌های مسلمان در غرب آسیا بهره گیرند.

در حال حاضر سه قرائت از اسلام به عنوان «سه مدل حکومتی رقیب» سعی دارند تا خود را به عنوان الگوی برتر در منطقه غرب آسیا معرفی کنند. طبعاً اقبال و ادبار ملت‌های مسلمان منطقه نسبت به هر یک از این الگوها در کنار پیامدهای سیاسی- اجتماعی آن، تأثیرات متعددی را بر منافع ملی بریتانیا در بر دارد؛ به همین علت لندن در چارچوب تأمین منافع خود نسبت به این مدل‌ها بی‌تفاوت نیست بلکه در قبال هر یک، راهبرد و سیاستی ویژه را در دستور کار قرار داده است.

نوشتار حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی که خط‌مشی دولت انگلیس در حوزه دیپلماسی عمومی در مواجهه با مدل‌های سه‌گانه حکومتی در منطقه غرب آسیا چیست، نگاشته شده است. پیش از تشریح ابعاد و ابزارهای دیپلماسی عمومی بریتانیا، لایه‌های زیرین و سازه‌های این جنس از دیپلماسی که همان منافع ملی است توضیح داده می‌شود.

۱. چارچوب نظری



منافع ملی نیز همچون بسیاری از مفاهیم در حوزه روابط بین‌الملل فاقد یک تعریف جامع، مانع و فراگیر مورد قبول همه اندیشمندان این حوزه است. بلکه تلقی‌های موجود در خصوص چیستی منافع ملی و بنیان‌های آن مختلف و در برخی موارد بشدت مغایر یکدیگرند. با این حال می‌توان سه تلقی برجسته‌تر در این عرصه را محور بحث و بررسی قرار داد:

رویکرد اول آنست که برخی منافع ملی را با سیاست‌های مقاماتی که مسئولیت اجرای سیاست خارجی را بر عهده دارند برابر بدانند. در این رویکرد نخبه‌گرایانه، منافع ملی آن چیزی است که تصمیم‌گیرندگان در بالاترین سطوح دولت می‌گویند. رویکرد دوم، که قرابت معنایی با اندیشه واقع‌گرایی دارد، ادراک خود را از منافع ملی در قالب برخی از مفروضات اساسی در مورد ماهیت روابط بین‌الملل و انگیزه‌های دولت‌ها مطرح می‌کند. این مفروضات عبارتند از اینکه آشرفی موجب می‌شود تا امنیت بزرگترین دغدغه سیاست خارجی دولت‌ها باشد. امنیت، به نوبه خود، نیازمند کسب و مدیریت عقلانی قدرت است (که هرگز نمی‌تواند به طور کامل از نیروی نظامی جدا شود)، و تنها اجرای سیاست‌هایی با این معناست که می‌تواند به منافع ملی خدمت کند. در تضاد کامل با موارد قبل، رویکرد سوم قوانینی برای شناسایی منافع ملی به وسیله اصول و انگاره‌های روند سیاسی که یک ارزش هنجاری مستقل محسوب می‌شوند، پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر، در این رویکرد منافع ملی را زمانی می‌توان به بهترین وجه شناخت که به صورت یک عبارت قابل اثبات از ترجیحات ملت بیان شود. این رویکرد تضعیف‌کننده هر دو دیدگاه نخبه‌گرا و واقع‌گرا است (Griffiths, and O'Callaghan, 2002: 204-205).

تعاریف فوق مؤید این مطلب بود که مفهوم «منفعت ملی» همچون بسیاری از مفاهیم انتزاعی، همواره دارای ابهام و پیچیدگی‌هایی است که هر یک از نویسندگان از منظر خود به تبیین آن پرداخته‌اند.

یاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



همچنین تلقی تحلیل‌گران حوزه روابط بین‌الملل از سازه‌های منافع ملی نیز بشدت مورد اختلاف است. برخی منافع ملی را مسأله‌ای برآمده از موضوع امنیت دانسته و آن را در چارچوب استمرار امنیت نظامی و اقتصادی دولت - ملت می‌دانند. چنانکه اساس مباحث رئالیست‌ها، نئورئالیست‌ها، نومحافظه‌کاران و آرمان‌گرایان نیز درباره بهترین استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها، برای دستیابی به امنیت است. اما برخی دیگر همچون ساموئل-هانتینگتون در چارچوب نظریه سازه‌انگاری معتقدند که منافع ملی برآمده از هویت ملی است. این افراد با بیان این عبارت که «ما باید بدانیم که هستیم پیش از آنکه بتوانیم بدانیم منافع ملی مان چیست» (Davidson, 2009: 138) بر نقش هویت در تعیین منافع ملی دولت‌ها تأکید می‌کنند. به عبارت دیگر اینکه هویت‌ها ملت - دولت‌ها که منبعث از گذشته و نظام ارزشی آنان است، مشخص می‌کند که منفعت ملی‌شان چیست. رویکردی که به عنوان پارادایم سازه‌انگاران یا برساخته‌انگاران در تحلیل مسائل بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس آنچه که در اینجا گفته شد فهم، تبیین و تحلیل اهداف و عملکرد دیپلماسی عمومی دولت انگلستان در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب آسیا در چارچوب تحلیل منافع ملی این کشور امکان پذیر است.

۲. چپستی دیپلماسی عمومی

به طور کلی حوزه دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مجاری دیپلماتیک تلاش می‌کند تا اهداف و مقاصد دولت‌ها را در پوشش تعامل هدفمند با مردم سایر کشورها پیگیری نماید. از این رو است که برخی معتقدند که دیپلماسی عمومی ارتباط وثیقی با قدرت نرم دارد چرا که تأثیرات نامرئی و غیرمستقیمی بر فرهنگ، ارزش‌ها و انگارهای ذهنی اتباع کشور هدف به همراه خواهد داشت (Snow, 2009: 3) دو جنبه از این تعاریف بسیار حائز اهمیت است:



نخست اینکه دیپلماسی عمومی نسبت به شهروندان کشورهای دیگر است در حالی که دیپلماسی کلاسیک نسبت به رهبران دیگر دولت‌ها و نهادهای سیاسی اعمال می‌شود. دوم آنکه دیپلماسی عمومی در پی ارتقاء سطح منافع ملی از طریق تأثیرگذاری است. تغییر افکار عمومی، اعتقادات، رفتار، انتظارات، دیدگاه‌ها، و مانند آن در حمایت از سیاست خارجی دولت‌ها با تأثیرگذاری انجام می‌شود. همچنانکه جوزف نای^۱ معتقد است: «منابع قدرت نرم اغلب به طور غیرمستقیم از طریق شکل‌دهی محیط برای سیاست کار می‌کنند، و گاهی اوقات سال‌ها طول می‌کشد تا نتایج مورد نظر را ارائه کنند» (Pratkanis, 2009: 112-113).

شاید به همین دلیل وزارت امور خارجه بریتانیا معتقد است که دیپلماسی عمومی «چیزی است که ما از آن استفاده می‌کنیم تا اولویت‌های راهبردی بین‌المللی مان^۲ را از طریق کار ما با مردم در خارج از کشور به دست آوریم» (Fisher, 2009: 251). در واقع دیپلماسی عمومی با هدف ارتقاء سطح منافع ملی از طریق اطلاع‌رسانی، جذب و تأثیرگذاری بر مردم در سراسر جهان انجام می‌شود (Djerejian, 2003: 13). بریتانیا همچون سایر بازیگران روابط بین‌الملل جهت ارتقاء سطح منافع ملی خود در طول منازعات بین‌المللی، دیپلماسی عمومی را برای انجام برخی اهداف خاص بکار می‌گیرد که رایج‌ترین آنها عبارتند از:

- تغییر ذهن و رفتار دشمنان، بازیگران بی‌طرف و کسانی که ممکن است وارد اتحاد‌های بین‌المللی شوند؛
- کسب حمایت برای اهداف عالی؛
- تشکیل و یا برهم زدن اتحاد‌های استراتژیک؛
- مقابله با تبلیغات دولت‌ها و گروه‌های مناصم؛
- فشار جهانی و محکومیت رژیم‌های مخالف؛

1. Joseph Nye
2. Strategic International Priorities (SPs)



- ترغیب طرف‌های متخاصم به آتش‌بس؛
- توجیه اقدامات نظامی برای بازیگران بی‌طرف کلیدی؛
- از بین بردن روحیه دشمن؛
- تقویت روحیه خودی؛
- وادار نمودن دشمن به تسلیم؛
- پشتیبانی از انجام یک جنگ؛
- تقلیل ادراک از یک معضل امنیتی؛
- حل و فصل یک منازعه و جلوگیری از یک جنگ در وهله اول.
- تغییر تصورات و انتظارات توسط کسانی که در درگیری اجازه می‌دهد تا مذاکرات انجام شود و منازعات حل شوند.
- ایجاد مبنایی برای مصالحه میان گروه‌های درگیر به طوری که نه تنها از جنگ منصرف شوند که به صلح برسند.

سیاست ژوپی

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرآنت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب

- توسعه و پشتیبانی برای موسسات و معاهدات بین‌المللی در پیگیری صلح (Pratkanis, 2009: 114).

به بیان دیگر دیپلماسی عمومی به تمامی راه‌هایی که یک دولت می‌تواند با شهروندان جوامع دیگر تعامل کند تا افکارشان را به شکل بهتری تحت تأثیر قرار دهند، اتلاق می‌شود (Reinhard, 2009: 197). این تلاش‌ها بر گروهی از کشورهای هدف متمرکزند که برای منافع دولت بسیار پر اهمیت هستند و به گونه‌ای طراحی می‌گردد تا از سوی کسانی به ساده‌ترین راه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، درک شوند. (Leonard and Small and Rose, 2005: 38-39)

دیپلماسی عمومی بریتانیا ترکیبی از عناصر همچون سیاست، سیاست خارجی، تجارت، فرهنگ، زبان، آموزش، گردشگری و «مدیریت برند» است. زبان انگلیسی فراگیرترین شکل زبانی در جهان امروز، یک مزیت مهم برای دیپلماسی عمومی بریتانیا ایجاد می‌کند، و اجازه می‌دهد تا از طریق آموزش زبان برای دیپلماسی فرهنگی اقدام کند. دیپلماسی عمومی بریتانیا عمدتاً از طریق سه نهاد انجام می‌شود: وزارت خارجه



بریتانیا^۱، شورای بریتانیا^۲، و سرویس جهانی بی بی سی^۳. یک تقسیم کار مؤثر برای انجام امور میان این دستگاه‌های دولتی انگلیس وجود دارد: وزارت امور خارجه مسئول ارتباط دیپلماتیک است، در حالی که شورای بریتانیا ارتباطات فرهنگی را مدیریت می‌کند و بی بی سی وظیفه ارتباطات رسانه‌ای را در سراسر جهان بر عهده دارد. علاوه بر این سه دستگاه دولتی، چندین نهاد دیگر از تلاش‌های دیپلماسی عمومی بریتانیا پشتیبانی می‌کنند. استفاده مؤثر از این مؤسسات نقش مهمی در دیپلماسی عمومی بریتانیا بازی می‌کند (Kalin, 2011: 13-14).

در معنای عام، بریتانیا هم اکنون با دو هدف اصلی در حوزه دیپلماسی عمومی مواجه است: نخست ایجاد حمایت؛ معرفی انگلستان و سیاست‌هایش به روشی که واقعاً برای مخاطبان بین‌المللی قانع‌کننده و جذاب باشند و دوم ایجاد اعتماد؛ ایجاد جو احترام متقابل، تفاهم و اعتماد، ضمن پذیرش اختلافات و پیش‌بینی آن. (Leonard and Small and Rose, 2005:36). البته اهداف کوتاه مدت محدود با تمرکز بر اصلاح برداشت‌های اشتباه، برای پیروزی بر قلب‌ها و اذهان می‌باشد؛ اهداف میان مدت در جهت بازداشتن ملت‌ها از نفرت نسبت به بریتانیا هستند. این مشخص است که اعتماد تنها می‌تواند در بلندمدت ایجاد شود. اهداف بلند مدت‌تر در قالب مشارکت با مردم در منطقه، با تمرکز زیاد بر منافع، آرمان‌ها، ترس‌ها و حساسیت‌هایشان پیگیری می‌شود (Leonard and Small and Rose, 2005: 41).

پس از تبیین چستی دیپلماسی عمومی و اهداف، ابزارهای و شیوه‌های عملیاتی کردن این سنخ از دیپلماسی توسط دولت بریتانیا، بایستی قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در منطقه غرب آسیا تشریح کرد تا ضمن طرح مؤلفه‌های مدل‌های سه‌گانه سیاست-ورزی در این منطقه، رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال آنها با شفافیت و

1. British Foreign Ministry
2. British Council
3. BBC World Service



وضوح بیشتری ادراک شوند.

۳. سه قرائت از اسلام به مثابه سه مدل سیاست‌ورزی^۱

جان ال. اسپوزیتو^۲ نگارنده کتاب «آینده اسلام»^۳ می‌نویسد: «در حالی که ما معمولاً از اسلام سخن می‌گوییم، در واقع اسلام‌های بسیار یا تفاسیر زیادی از اسلام وجود دارند. تصاویر و واقعیت‌های اسلام و مسلمانان متعدد و متنوع هستند: مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. اکثریت مسلمانان در پنجاه و هفت کشور هستند و بسیاری از ملیت‌ها، زبان‌ها، گروه‌های قومی و قبیله‌ای، و آداب و رسوم را در بر می‌گیرند (Esposito, 2010: 11). هر چند این تصور و برداشت اسپوزیتو از شریعت اسلام که آن را فاقد حقیقتی واحد می‌پندارد، به طور بنیادین از سوی صاحب‌نظران نقد شده است اما می‌توان پذیرفت که تفاسیر متعدد و متکثر از اسلام موجب شده تا قرائت‌های مختلفی از این دین آسمانی در صحنه عمومی ظهور و بروز پیدا کند. پیگیری هر یک از این برداشت‌ها، در عرصه سیاسی- اجتماعی به ایجاد یک مدل منجر شده است؛ همچنانکه در منطقه غرب آسیا سه مدل اسلام سکولار، اسلام وهابی و اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله) به عنوان سه قرائت رقیب در رفتار دولت‌های ترکیه، عربستان و ایران تجلی پیدا کرده است.

۳-۱. اسلام سکولار

یکی از قرائت‌های مطرح از اسلام در غرب آسیا، قرائت سکولارهای حزب عدالت و توسعه است که ترکیه به عنوان مدل سیاست‌ورزی آن در این منطقه مورد توجه می‌باشد. این تلقی از اسلام دارای مؤلفه‌هایی در حوزه اندیشه و اقدام است که آن را از

۱. در اینجا منظور از سیاست‌ورزی، چگونگی مدیریت جامعه و شیوه اداره حکومت است که می‌توان از آن به عنوان، الگوی حکمرانی یاد کرد.

2. John L. Esposito
3 The Future of Islam



سایر الگوها متمایز می‌سازد.

۳-۱-۱. حوزه اندیشه

مهم‌ترین مؤلفه‌های اسلام سکولار در حوزه اندیشه بر مبنای آنچه در ترکیه امروز جریان دارد عبارت است از اصالت سکولاریسم و اجرای دین حداقلی، حقوق بشر، بی‌طرفی دولت و تأکید بر دموکراسی.

در حال حاضر دو نمونه غربی در قرائت از سکولاریسم وجود دارد: خوانش انگلیسی-آمریکایی و خوانش فرانسوی. قرائت اول با دغدغه آزادسازی دین از قید حکومت، سازگاری بیشتری با دین دارد تا الگوی فرانسوی که بر نقش حکومت و آزادسازی سپهر سیاسی از نفوذ دین پای می‌فشارد. اما در سکولاریسم نمونه ترکیه وجه سومی حاکم است که آن شیوه کنترل نهادها و شعائر دینی است؛ در این وجه از سکولاریسم که دلالت بر کنترل نهاد دین از سوی حکومت دارد، حکومت با تأسیس نهادهایی قصد نظارت بر نمادها، زبان، رهبری و شبکه‌های دینی را دنبال می‌کند (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۳۶-۲۳۷). در واقع هدف قرائت ترک از سکولاریسم بیش از «جدایی دین و سیاست»، مهار دین و حذف آن از سپهر عمومی است (همان: ۲۷۱).

ترس از دین، آشکارا در تنش بر سر حق زنان برای پوشیدن حجاب دیده می‌شود (Esposito, 2010: 65). با این حال حزب عدالت و توسعه هیچ‌گاه این موضوع را با داعیه‌های اسلامی پیگیری نکرده بلکه مسأله روسری را با مسائل هویتی و در قالب ملاحظات حقوق بشری و گزینه فردی استفاده یا عدم استفاده از پوشش خاص - اسلامی یا غیر اسلامی - می‌بیند (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۵۶). چرا که از نگاه آنها ارزش‌های دینی در عین اهمیتی که به آن داده می‌شود یک نظام ارزشی برای شکل‌گیری مباحث عمومی به حساب نمی‌آیند. به همین دلیل باور به خداوند جزو مباحث ارزشی نیست و از گفتمان حقوق بشری برای خلق یک نظام ارزشی نوین بهره‌برداری می‌شود (همان: ۱۲۷). از همین رو اردوغان به عنوان مؤسس حزب، معرفی حزب عدالت و توسعه ترکیه را

یاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



به عنوان یک حزب مذهبی انکار می‌کند. وی سال ۲۰۰۵ گفت: «ما یک حزب اسلامی نیستیم و همچنین برچسب‌هایی مانند دموکرات مسلمان را نمی‌پذیریم». در عوض رهبر حزب عدالت و توسعه، برنامه حزب را «دموکراسی محافظه‌کار» معرفی کرد (Taşpınar, 2012).

در چارچوب همین نگرش، احمد داود اوغلو نخست وزیر پیشین ترکیه در واکنش به اظهارات اسماعیل قهرمان رئیس پارلمان این کشور که خواستار یک منشور ملی-مذهبی شده بود، اعلام کرد: در قانون اساسی جدید ترکیه، سکولاریسم به عنوان یک اصل حفظ خواهد شد (Davutoglu, 2016).

۳-۱-۲. حوزه اقدام

شاخصه‌های مدل اسلام سکولار در حوزه اندیشه، سبک خاصی از اقدام را در بخش عمل سیاسی طلب می‌کند که نمودهای آن در رفتار سیاسی دولت‌مردان ترکیه در عرصه بین‌الملل می‌توان دید. این اقدامات سیاسی عبارتند از: پذیرش ساختار و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل، تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپایی، عضویت در ناتو، پذیرش تعامل با رژیم صهیونیستی، کم‌توجهی به مسأله فلسطین و جلب حمایت خارجی به خصوص حمایت دولت آمریکا.

مناسبات ترکیه با آمریکا ستون فقرات سیاست خارجی این کشور بعد از جنگ سرد بوده است (یاووز، ۱۳۸۹: ۳۵۹) به همین دلیل رهبری حزب عدالت و توسعه به عنوان جریان حاکم در این کشور، حمایت خارجی به خصوص از جانب آمریکا را لازمه حکمرانی خوب و استقلال یک دولت مدنی می‌داند. لذا دولت ترکیه با دقت می‌کوشد تا موازنه لازم بین احساسات ضدآمریکایی توده‌های حامی خود و نیازی را که به حمایت آمریکا دارد برقرار سازد. البته این حمایت‌طلبی خارجی علاوه بر انگیزه‌های بین‌المللی، دلایل داخلی نیز دارد؛ چرا که دولت اردوغان با قبول نقش پیمانکار دست دوم آمریکا، به جای ارتش ترکیه، تلاش دارد برای جلوگیری از نقش‌آفرینی نیروهای

یاست پژوهی
رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرآنت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب



مسلح در سیاست خارجی یا داخلی، روی دست آنها بلند شود (همان: ۳۳۰). همچنین رهبران حزب عدالت و توسعه، برخلاف احزاب اسلام‌گرای پیشین و رهبری کاریزماتیک تمامی این احزاب یعنی نجم‌الدین اربکان، با تغییر در جهت‌گیری اسلاف خویش، «خواستار پیوستن به اتحادیه اروپا» هستند (اطهری، ۱۳۸۹). هواداری از ورود به اتحادیه اروپا ضمن فراز و فرودهای آن، با هدف نفی اتهام اسلام‌گرایی، تقویت دموکراسی و تضعیف قدرت نظامیان در درون نظام این کشور است. شاید به همین علت تأکید چندانی بر مسائل و علائق اسلامی وجود ندارد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

از همین‌رو اصلی‌ترین مبحث اعتقادی در جامعه امروز ترکیه «نبرد روسری» است که آن با ادبیات حقوق بشری و نه دینی پیگیری می‌شود؛ چون زنان ترکیه‌ای با حجاب از حق خدمت در پارلمان، از ورود و یا کار در ساختمان‌های دولتی، و از حضور در دانشگاه منع شده‌اند. این مسأله بیشتر زمانی خودنمایی کرد که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید. همسر نخست‌وزیر و اکثریت اعضای کابینه و پارلمان به دلیل پوشیدن روسری قادر به شرکت در برنامه سالانه ترکیه نبودند (Esposito, 2010: 65).

بنیان‌های اندیشه حزب حاکم ترکیه در عرصه اعتقادی با نمایی از سکولاریسم، موجب شده تا مسأله فلسطین و اختلاف ترکیه با رژیم صهیونیستی در سطح تعارضات سیاسی متوقف شود؛ در عین حال دولت‌مردان حزب عدالت و توسعه ترکیه فارغ از موضوع عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی، تعاملات خود را به صورت پیدا و پنهان با این رژیم پیگیری می‌نمایند (Kart, 2016).

۳-۲. اسلام وهابی

اسلام وهابی قرائت دیگری از اسلام در غرب آسیا است که با پیدایش داعش در کشور سوریه و عراق توجهات را بیش از پیش به خود معطوف کرد. مرکز این مدل حکومتی، کشور عربستان و تحت سیطره تفکر وهابی رژیم پادشاهی آل سعود می‌باشد.

۳-۲-۱. حوزه اندیشه



مهمترین مؤلفه‌های اندیشه اسلام وهابی به عنوان شعبه‌ای خاص از اسلام سلفی شامل: ارائه قرائتی تند و خشن از اسلام، تأکید بر اسلام سلف و نفی هر نوع بدعت، انحصارطلبی دینی، تکفیر شیعیان و سایر فرق اسلامی و ضدیت خاص با مکتب تشیع می‌باشد.

وهابیون به عنوان محور اسلام رادیکال معتقدند که زوال اسلام پس از نسل‌های اولیه، در نتیجه نوآوری‌های مذهبی غیراسلامی (بدعت‌ها) بوده است و احیای اسلامی نیازمند تقلید از نسل‌های اولیه و پاکسازی نفوذ خارجی از دین است. سلفی‌ها مانند وهابیون، بر توحید تأکید دارند و بر شریعت، یا قانون اسلامی بی‌لغزش اصرار دارند. آنها بسیاری از اعمال مشترک مسلمان را تحت عنوان شرک محکوم کرده و با آموزه‌های صوفی‌مسلك‌ها، شیعیان و بیش از همه جنبش‌های اسلامی مخالفند، چرا که آنها به عنوان بدعت در اسلام راستین تلقی کرده و در نتیجه «رافضی» می‌خوانند. نگاه وهابیت یا مظهر اسلام سخت‌گیر، ایمان خشکی است که تنها تفسیر تحت‌اللفظی از قرآن و وحدت مطلق خدا (توحید) را مدنظر دارد؛ مسأله‌ای که از آن به عنوان جزء اصلی منبع مشروعیت دینی و سیاسی دولت عربستان سعودی یاد می‌شود. هر چیزی را که وهابیون به عنوان رفتار غیراسلامی تلقی کنند، در نگاهشان کفر می‌دانند که باید با آن مقابله شود و سرکوبش کنند (Esposito, 2010: 75).

انحصارگرایی دینی وهابی-سلفی به وضوح ضد تكثرگرا و اغلب فاقد تحمل مذهبی دیگر مسلمانان و به طور خاص شیعیان است که از آنها نفرت دارند. وهابی‌ها به دنبال ترویج و تحمیل عقاید خشک و تفسیرهای خود هستند و معمولاً با عقاید دیگر سنی‌ها و یا مسلمانان شیعه در سراسر جهان اسلام اشتراک نظری ندارند (Esposito, 2010: 77).

۳-۲-۲. حوزه اقدام

پایه‌های متصلب و جزم‌اندیش اسلام وهابی موجب شده تا وهابیون، در عرصه اقدام

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب
یاست پژوهی



بشدت متعارض و متناقض عمل کند. حمایت مالی و ایدئولوژیک از جریان‌های افراطی تکفیری، حمایت از توسعه تروریسم و اقدامات خشونت‌بار در کشورهای اسلامی علیه شیعیان، افزایش تنش‌های فرقه‌ای، دشمنی با جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه‌دار ام‌القری جهان اسلام، شیعه‌هراسی، روابط راهبردی با آمریکا، استاندارد دوگانه در قبال رژیم صهیونیستی و تساهل در مسأله فلسطین، همگی رفتار رژیم آل سعود را در صحنه عمل، به عنوان یکی از مدل‌های اسلام در منطقه غرب آسیا شکل می‌دهند.

اسلام سیاسی در عربستان سعودی بایستی در بستر سیاست‌های منطقه‌ای عربستان سعودی تجزیه و تحلیل کرد. ریاض برای چندین دهه به ترویج اسلام به طور کلی و تفسیر خاص خود از اسلام یا همان وهابیت اقدام نموده است. پس از رونق نفتی بزرگ در دهه ۱۹۷۰، عربستان سعودی سازمان‌های بین‌المللی، دولتی، و غیردولتی متعددی را برای انتشار نسخه وهابی اسلام تأسیس کرد. این سازمان‌ها نقش مهمی در رشد سلفی-گری در سراسر منطقه داشتند، نقاطی که گروه‌های سلفی نقش مهمی و فزاینده‌ای در سیاست‌های بیشتر کشورهای عربی ایفا می‌کنند (Gause III, 2011: 19-20).

در پاسخ به این سوال که آیا پیام وهابی-سلفی لزوماً خشونت‌آمیز و تروریستی است، باید گفت آری. چرا که وهابی‌بشدت محافظه‌کار، خشکه‌مقدس، معتقد به گونه-ای خاص از توحید غیرقابل انعطاف، پیروانش را به نمایی قطبی‌شده از جهان ارجاع می‌دهد. تعصب و جزمیت‌گرایی وهابیت با ادعای پیرایش دین در طول تاریخ، منجر به تخریب حرم‌های مقدس شیعه شده است. این التهاب در روابط وهابیون با شیعیان، بسترساز آن شده تا عربستان در جهت افزایش تنش میان اهل سنت و شیعیان حرکت کند. هم سازمان‌های دولتی عربستان و هم وهابیون متمول سعودی، هر دو از اعزام مبلغین اسلام وهابی به جوامع دیگر در جهان اسلام و غرب حمایت کرده‌اند. عربستان سعودی کنفرانس‌های بین‌المللی به لحاظ مالی تأمین کرده و مساجد، مراکز اسلامی، مدارس، کتابخانه‌های مروج وهابیت ساخته است. آنها به وعاظ مبلغ وهابیت حقوق

یاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



پرداخت می‌کنند و متون مذهبی توزیع می‌کنند (Esposito, 2010: 76).

شورای روابط خارجی آمریکا در گزارش خود تحت عنوان «عربستان سعودی در خاورمیانه جدید» با تأکید بر روابط راهبردی و دوجانبه ریاض - واشنگتن می‌نویسد: «ایالات متحده آمریکا نیازمند عربستان سعودی، و عربستان سعودی نیازمند ایالات متحده است» (Gause III, 2011:32).

دولت عربستان سعودی و افراط‌گرایان تکفیری به یک اندازه دشمن ایرانی هستند که آن را به عنوان عقبه همه مشکلات‌شان می‌بینند. بنابراین اقدامات ضد شیعی یک نقطه همگرایی بین دولت عربستان و افراط‌گرایی است (Matthiesen, 2015:11). از همین رو ترکی الفیصل در نخستین بخش از گزارش خود با عنوان «دکترین جدید سیاست خارجی عربستان سعودی پس از بیداری عربی» در راستای ایران‌هراسی، با اشاره به پرونده هسته‌ای ایران، جمهوری اسلامی را به تلاش برای مداخله و بی‌ثبات‌سازی منطقه متهم کرد (Al Faisal, 2013: 3-4). اما موضع همین مقامات سعودی در قبال اقدامات رژیم صهیونیستی در خصوص سرزمین‌های اشغالی، پافشاری بر طرح صلح اعراب و تقاضا از سران صهیونیست برای بازگشت به مرزهای سال ۱۹۶۷ است (Al Faisal, 2013: 7)؛ طرحی که موجودیت رژیم صهیونیستی را در منطقه می‌پذیرد.

بیشتر نفوذ عربستان در جهان عرب از پشت صحنه اعمال می‌شد، به همین دلیل استقرار نیروهای نظامی در کشور بحرین یک استثنا در شیوه عمل سعودی محسوب می‌شود. پول یکی از ابزارهای کلیدی عربستان برای نفوذ در منطقه است. وقتی این پول به سمت دولت‌ها می‌رود، معمولاً برخی از شواهد به اسناد عمومی درز پیدا می‌کند. اما زمانی که این پول به گروه‌های غیردولتی پرداخت می‌شود، بسختی می‌توان ردی از آن پیدا کرد. بنابراین، کاملاً امکان‌پذیر است که پول عربستان سعودی، به صورت کمک‌های دولتی یا خصوصی و یا هر دو، به دست مخالفان سوری اسد برسد (Gause III, 2011: 19-20). همچنین یکی دیگر از عناصر نفوذ عربستان در جهان عرب، ابزار



ایدئولوژیک است (Gause III, 2011: 20) رژیم سعودی با این ابزار، سطح تنش‌های فرقه‌ای را به شکل معناداری افزایش داده و بر شدت و گستره اقدامات تروریستی در منطقه افزوده است. تحرکات و اقدامات آل سعود در منطقه نشانگر آن است که سعودی به دلیل تمرکز مفرط بر مسأله شیعه‌هراسی، اساساً گفتمان تکفیر را در قبال شیعیان پیگیری می‌کند. از این رو مدل اسلام وهابی علی‌رغم کافر خواندن دولت-ملت‌های غیرمسلمان، در شرایط فعلی تلاش می‌کند تا به جای مبارزه با «کفر بعید» علیه آنچه که «شرک قریب» می‌خواند، اقدام نماید.

۳-۳. اسلام ناب محمدی

سومین قرائت از اسلام در غرب آسیا، اسلام ناب محمدی است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی معرف این جنس سیاست‌ورزی مورد توجه گرفته است.

۳-۳-۱. حوزه اندیشه

اسلام ناب محمدی با ارائه یک منظومه فکری منسجم، الگویی برای عرصه‌های سیاست ترسیم می‌نماید. در واقع مدل اسلام ناب، حکومتی است بر پایه ایمان به خدای یکتا، توجه به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین (نفی سکولاریسم)، حمایت از محرومان و به ویژه مسلمانان، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و نفی نظام سلطه، مدافع حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، حامی مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، خواهان ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی، رعایت‌کننده حقوق انسانی غیرمسلمانان، و خواهان روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب.

به عبارت بهتر اینکه الگوی اسلام ناب محمدی نظامی بر پایه انگاره‌های دینی و مذهبی است با تأکید بر وحی الهی و نقش بنیادین آن در قوانین کشور (اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) در جبهه مقابل اندیشه‌های سکولاریستی قرار دارد. بنابراین در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه)، ولایت امر و امامت امت بر



عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است (اصل ۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

قرائت اسلام ناب همه مسلمانان یک امت می‌داند و دولت را ملزم می‌کند تا سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد (اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). ضمن آنکه دولت و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند^۱ (اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

در این مدل، سیاست خارجی بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است (اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). این مدل سیاست‌ورزی، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

مقام معظم رهبری در خصوص ماهیت انقلاب اسلامی به عنوان نماد اسلام ناب می‌فرمایند:

«یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله‌ی انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس می‌کند که به این پیام دل بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله‌ی با نظام سلطه است؛

۱. البته این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.



این پیام انقلاب است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

همچنانکه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی^(ره) نیز با همین اندیشه انقلاب اسلامی را به پیش بردند. مقام معظم رهبری در خصوص تبیین اندیشه امام راحل فرمودند:

«اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاست‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهای که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی می‌کنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴).

۳-۲- حوزه اقدام

قرائت اسلام ناب محمدی در حوزه اقدام بر اساس مبانی اعتقادی که برگرفته از منابع دینی مذهب تشیع است، عمل می‌نماید. چنین مدلی، به دلیل «حاکمیت اندیشه بر عمل»، مسئولین سیاسی را ملزم می‌کند تا با رعایت اصول و چارچوب‌ها، در عرصه عمل و اقدامات تصمیم‌سازی کنند. از همین رو می‌توان ارکان حوزه اقدام را در قرائت اسلام ناب محمدی چنین برشمرد: تلاش برای پیاده‌سازی ارزش‌های دینی در جامعه با ارائه سبک زندگی اسلامی در مقابل ارزش‌های غربی، مقابله با ساختار هژمونیک در نظام جهانی به رهبری آمریکا، تقابل با ایالات متحده به عنوان مظهر استکبار، توجه ویژه به مسأله فلسطین، نفی رژیم صهیونیستی، ایجاد و حمایت از محور مقاومت اسلامی در مقابل رژیم اسرائیل، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش در فلسطین و لبنان.

مقام معظم رهبری در بخشی از پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام فرمودند: «اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم‌سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده‌ی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با

سیاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۷/۰۸).

سیاست رسمی در جمهوری اسلامی به عنوان پرچم‌دار این الگو در خصوص رژیم صهیونیستی تأکید بر عدم مشروعیت این رژیم است، همچنانکه رهبر معظم انقلاب با اشاره به این مهم فرمودند: «ما از روز اوّل گفتیم، امروز هم می‌گوییم، بعد از این هم خواهیم گفت: ما رژیم صهیونیستی را یک «رژیم نامشروع و حرام‌زاده» می‌دانیم. یک رژیم است که بر اساس توطئه به وجود آمده است، بر اساس توطئه و سیاست‌های توطئه‌آمیز هم دارد حفظ می‌شود و حراست می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲).

ایشان در تبیین مواضع بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در مخالفت با موجودیت رژیم اسرائیل و تقابل با نظام سلطه فرمودند: «امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیّه نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است. در قبال شرارت‌های قدرت مستکبر و مداخله‌گر آمریکا هیچ تقیّه‌ای و ملاحظه‌ای نکرد؛ اینکه آمریکا شیطان بزرگ است، این حرف امام است. اینکه حمله‌ی جوانان مسلمان و دانشجویان مسلمان به سفارت آمریکا و تصرف ابزارها و مدارک جاسوسی آنها را امام انقلاب دوّمی دانست که شاید از انقلاب اوّل مهم‌تر است، این حرف امام است؛ اینها حرف‌های امام است، اینها روش‌های امام است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

بیان اندیشه‌ها، مواضع و اقدامات مدل‌های سه‌گانه اسلام در منطقه غرب آسیا نشان داد که هر یک در مبانی فکری به چه موضوعات بیشتر توجه داشته و در صحنه عمل چه مقاصدی را دنبال می‌کنند. این شفافیت و ایجاد وضوح در توصیف قرائت‌های اسلام سکولار، اسلام وهابی و اسلام ناب محمدی و نسبت آن با منافع دولت انگلیس کمک می‌نماید تا به صورت دقیق‌تری جهت‌گیری دیپلماسی عمومی بریتانیا را در قبال

سیاست ژوئی

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب



آنها ادارک کنیم.

۴. دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام

همچنانکه پیشتر گفته شد دیپلماسی عمومی بریتانیا بخشی از سیاست خارجی لندن است که جهت‌گیری آن را منافع ملی این کشور تعیین می‌نماید. از این‌رو دیپلماسی عمومی که از آن به عنوان ابزاری جهت تأمین بخشی از منافع ملی یاد می‌شود، برای تعیین رویکردهایش در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب آسیا، بر مبنای منافع ملی بریتانیا طراحی و عمل می‌کند.

گرچه یکی از اهداف دیپلماسی عمومی بریتانیا که در بازه میان‌مدت تا بلندمدت، متقاعد کردن کشورهای اسلامی در خصوص این نکته است که انگیزه دولت انگلیس دشمنی با اسلام نیست (Leonard and Small and Rose, 2005: 37) اما تمرکز دولت بریتانیا بر مسأله اسلام‌هراسی با تأکید بر اقدامات افراط‌گرایان نشانگر آنست که هسته مرکزی دیپلماسی عمومی بر «ضدیت با اسلام و اسلام‌گرایی» بنیان نهاده شده است. اسلام‌هراسی در بریتانیا هم در بخش دولتی و رسمی، هم رسانه‌ها و هم فضای عمومی این کشور نمود دارد. در این میان، دو حوزه اول در گسترش اسلام‌هراسی در داخل و خارج از مرزهای این کشور نقش بسیار کلیدی دارند (سیدامامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰: ۱۰۰)؛ بررسی پوشش خبری سه روزنامه بریتانیا و پوشش هفتگی رسانه‌های تصویری BBC1 و BBC2 و ITV نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۹، اسلام بیش از گذشته مورد توجه رسانه‌های تصویری انگلستان بوده است. در این میان رسانه‌های بریتانیایی با پوشش خبری اقدامات طالبان و القاعده، بر روی مسأله خشونت (و اسلام‌هراسی) تمرکز داشته‌اند. تقریباً نیمی از اخبار در مورد اسلام، مربوط به خارج از بریتانیا، به ویژه در مورد کشورهای افغانستان و عراق و همچنین ترکیه و ایران بوده‌اند (Poole, 2016).

با وجود این دیپلماسی عمومی بریتانیا ناگزیر است تا برای تأمین منافع ملی خود در



غرب آسیا به عنوان مهد اسلام، در مواجهه با قرائت‌های مختلف از اسلام و مدل‌های برآمده از آنها جهت‌گیری خود را مشخص نماید. قبول این واقعیت که فرهنگ غرب آسیا با اسلام عجین شده، دیپلماسی عمومی بریتانیا را به سمتی سوق داده است که برای افزایش منفعت خود در مقابل الگوهای سه‌گانه دست به گزینش زده و اولویت-هایش را مشخص کند؛ به ویژه پس از آغاز موج بیداری اسلامی در منطقه که اذهان نخبگان در کشورهای اسلامی در پی اخذ مدل مطلوب سیاست‌ورزی بوده است.

۴-۱. دیپلماسی عمومی بریتانیا و سکولارها

مدل سیاسی ترکیه که برگرفته از قرائت اسلام سکولار، در حوزه اندیشه که بر مبنای اصالت سکولاریسم و اجرای دین حداقلی، حقوق بشر، بی‌طرفی دولت و تأکید بر دموکراسی شکل گرفته است با منافع دولت بریتانیا همسو است. همچنین در عرصه سیاست عملی نیز ضمن پذیرش ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل، درصدد جلب حمایت سیاست‌پژوهی خارجی به خصوص حمایت دولت آمریکا بوده و تعامل با رژیم صهیونیستی و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپایی در دستور کار خود دارد لذا در جهت‌گیری سیاسی نیز با رویکردهای بریتانیا هماهنگی دارد. عضویت ترکیه در ناتو بستر ساز تعاملات نظامی لندن - آنکارا است که این موضوع نیز از نگاه مقامات انگلیسی مطلوبیت دارد (Demirtaş, 2015).

به همین سبب دیوید کامرون^۱ نخست وزیر وقت بریتانیا در جریان بیداری اسلامی در منطقه با بیان این مطلب که دموکراسی و اسلام می‌توانند در کنار یکدیگر شکوفا شوند، گفت:

«در ترکیه، ما شاهد یک دولت با ریشه در ارزشهای اسلامی هستیم اما با سیاست‌های دموکراتیک، یک اقتصاد آزاد و نگرش مسئولانه به حمایت از تغییر در لیبی، سوریه و جاهای دیگر در منطقه. من عمیقاً معتقدم که همین



مسیر برای مصر، تونس، همسایگانشان باز است. و ما باید به آنها برای رسیدن به آن کمک کنیم» (Cameron: 26 September 2012).

همچنین انتشار گزارش‌ها و تحلیل‌های متعددی در بنگاه سخن‌پراکنی بی.بی.سی فارسی، با همین جهت‌گیری، مؤید این مدعی است. انتشار عناوینی چون «ترکیه: یک مدل دموکراسی برای جهان عرب»، «اردوغان؛ فروشنده نان کنجدی، فوتبالیستی حرفه‌ای و سیاستمداری اسلامگرا» و «چالش دینداری و دموکراسی در خاورمیانه» مجموعاً در جهت تأیید الگوی سکولاریستی اسلام ترکیه‌ای یا آناتولی هستند. از این‌رو قرابت فرهنگی، سیاسی و نظامی قرائت اسلام سکولار بر اساس مدل سیاست‌ورزی آن در ترکیه در جهت منافع ملی انگلیس است، لذا دیپلماسی عمومی بریتانیا در مجموع رویکردی مثبت به این الگو دارد و به اعتراف نخست‌وزیر وقت بریتانیا، خواهان توسعه این مدل در سایر کشورهای اسلامی است.

۴-۲. دیپلماسی عمومی بریتانیا و وهابی‌ها

پیشتر گفته شد مهمترین مؤلفه‌های حوزه اندیشه اسلام وهابی شامل ارائه قرائتی تند و خشن از اسلام، تأکید بر اسلام سلف و نفی هر نوع بدعت، انحصارطلبی دینی، تکفیر شیعیان و سایر فرق اسلامی و ضدیت خاص با مکتب تشیع می‌باشد. همچنین حمایت مالی و ایدئولوژیک از جریان‌های افراطی تکفیری، حمایت از توسعه تروریسم و اقدامات خشونت‌بار در کشورهای اسلامی علیه شیعیان، افزایش تنش‌های فرقه‌ای، دشمنی با جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه‌دار ام‌القری جهان اسلام، شیعه‌هراسی، روابط راهبردی با آمریکا، استاندارد دوگانه در قبال رژیم صهیونیستی و تساهل در مسأله فلسطین، به عنوان شاخصه‌های رفتاری الگوی اسلام وهابی مطرح شد.

برخلاف مدل اسلام سکولار در قرائت وهابی از اسلام، اشتراک معناداری میان مؤلفه‌های این مدل با مبانی اندیشه سیاسی دولت بریتانیا وجود ندارد اما در عرصه عمل سیاسی به دلیل وجود منافع مشترک به ویژه در خصوص شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی،

یاست‌پژوی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



همسویی با مواضع ایالات متحده و انحراف افکار عمومی از مسأله فلسطین، دیپلماسی عمومی بریتانیا رویکردی کاملاً منفی در قبال این قرائت اتخاذ نمی‌کند.

به طور نمونه دیوید کامرون در برنامه رادیو بی‌بی‌سی، با دفاع از اتحاد و همکاری انگلیس با عربستان سعودی گفت: «اول از همه، روابط ما با عربستان سعودی برای امنیت خودمان مهم است. آنها مخالفان داعش و افراط‌گرایی هستند». با این حال نخست وزیر سابق انگلیس اعتراف کرد که تأمین مالی برخی از برنامه‌های آموزشی افراطیون توسط عربستان سعودی می‌تواند مشکل‌ساز شود، هر چند وی به طور مستقیم مقامات سعودی را با افراط‌گرایان مرتبط ندانست (Cameron, 18 January 2016).

همچنین ویلیام هیگ^۱ وزیر وقت امور خارجه انگلیس پس از آغاز بیداری اسلامی در منطقه بدون اشاره به اقدامات غیرانسانی و ضد حقوق بشری عربستان سعودی، اظهار داشت:

یاست پژوهی

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب

«عربستان سعودی یک متحد مهم و یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه و فراتر از آن است. ارتباطات بریتانیا با پادشاهی (عربستان) عمیق و طولانی مدت است و از روابط بین دولتی به شبکه غنی از ارتباطات میان مردمان گسترش یافته است. این حیاتی است که ما همچنان به توسعه روابطمان در همه سطوح ادامه دهیم. من مشتاقانه منتظر بحث در مورد چگونگی دستیابی به این موفقیت و اهدافمان جهت ارتقاء گفتگوهای دوپادشاهی برای ایجاد یک همکاری کامل استراتژیک در پایان امسال هستیم» (5 July 2011 Hague).

هر چند انگیزه‌های تجاری بریتانیا (فروش تسلیحات - خرید نفت) در مناسبات لندن-ریاض یکی از دلایلی است که مانع تخطئه کامل قرائت اسلام وهابی در دیپلماسی عمومی انگلیس می‌شود اما وجود دشمن مشترک (الگوی اسلام اصیل) موجب شده تا کارگزاران «دیپلماسی خط دو» در لندن، مؤلفه‌های مناقشه‌برانگیز قرائت



1. William Jefferson Hague

اسلام وهابی را به میزان بسیار کمتری منعکس نمایند.^۱

۴-۳. دیپلماسی عمومی بریتانیا و اسلام ناب محمدی

قرائت اسلام ناب محمدی با ارائه یک منظومه فکری منسجم، الگوی خود برای عرصه سیاست ترسیم می‌نماید. در واقع مدل اسلام ناب نظامی بر پایه ایمان به خدای یکتا، توجه به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین (نفی سکولاریسم)، حمایت از محرومان و به ویژه مسلمانان، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و نفی نظام سلطه، مدافع حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، حامی مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، خواهان ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی، رعایت‌کننده حقوق انسانی غیرمسلمانان، و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب است.

در این مدل حکومتی تلاش برای پیاده‌سازی ارزش‌های دینی در جامعه با ارائه سبک زندگی اسلامی در مقابل ارزش‌های غربی، مقابله با ساختار هژمونیک به رهبری آمریکا، تقابل با ایالات متحده به عنوان مظهر استکبار، توجه ویژه به مسأله فلسطین، نفی رژیم صهیونیستی، ایجاد و حمایت از محور مقاومت اسلامی در مقابل رژیم اسرائیل و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش در فلسطین و لبنان به طور جدی پیگیری می‌شود.

واضح است که قرائت اسلام ناب محمدی هم در حوزه اندیشه و هم در عرصه

۱. همچنانکه ریاض و لندن در پایان سفر چهار روزه "محمد بن سلمان" ولیعهد عربستان به انگلیس طی بیانیه‌ای مشترک، ضمن توافق بر ادامه همکاری عمیق در خصوص امنیت بین‌المللی، ایران را به دخالت در امور کشورهای منطقه خاورمیانه متهم کردند (تابناک: ۱۹ اسفند ۱۳۹۶) خانم ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس، هم‌علی‌رغم اعتراضات به سفر بن سلمان گفت: «ارتباطی که ما با عربستان سعودی داریم، تاریخی است که ارتباطی مهمی است و جان صدها نفر در این کشور را نجات داده است». (خبرگزاری فارس: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷)



سیاست عملی هیچ قرابتی با منافع دولت بریتانیا ندارد. ضمن آنکه به دلیل ماهیت وحیانی و انقلابی خود، انگاره‌های اندیشه سیاسی غرب را زیر سؤال برده و با اقداماتش عملاً در خلاف جهت منافع بریتانیا حرکت می‌کند. لذا دیپلماسی عمومی بریتانیا به دلایل ماهوی هیچ‌گاه رویکرد مثبتی نسبت به اسلام ناب محمدی و مدل حکومتی آن در جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت. پتانسیل بالای جمهوری اسلامی ایران در کنار رویکرد کاملاً منفی دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال آن، موجب شده تا این بخش از دستگاه دیپلماسی انگلیس برای کنترل و مهار اسلام ناب محمدی از همه ظرفیت خود در مقابل آن استفاده کند. به طوری که دیوید کامرون پس از آغاز بیداری اسلامی، خطاب به اجتماع پر نفوذ جامعه یهودیان لندن، یکی از سه گام کلیدی برای تضمین امنیت آینده اسرائیل را «ایستادن در مقابل ایران» معرفی نمود (15 October 2012). (Cameron:)

یاست پژوهی

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرآنت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب

موارد متعددی دیگری را می‌توان به عنوان مثال برای مقابله دستگاه دیپلماسی عمومی بریتانیا با جمهوری اسلامی برشمرد: چنانکه رسانه‌های بریتانیایی در بحبوحه بیداری اسلامی تلاش نمودند با القای بی‌رغبتی نخبگان جهان عرب نسبت به مدل جمهوری اسلامی، الگوهای رقیب را برجسته نمایند (Beaumont, 2011). همچنین رسانه‌ها و مطبوعات انگلیس به طور مستمر ضمن القای ناکارآمدی مدل سیاست‌ورزی جمهوری اسلامی، دولت ایران را به تروریسم و دفاع از گروه‌های تروریستی متهم نموده‌اند (Osborne, 3 June 2016). حتی دستگاه دیپلماسی بریتانیا همچنان به شهروندان این کشور در خصوص خطرات سفر به ایران هشدار می‌دهد (FCO, 20 July 2016). از سوی دیگر در سند بازبینی قابلیت امنیت ملی بریتانیا^۱ که ۸ فروردین ۱۳۹۷ از سوی دولت این کشور منتشر شد، ایران به عنوان یکی از کشورهای که در



دسته‌بندی «تهدیدات دولت‌پایه»^۱ قرار گرفته، به انجام فعالیت‌های تهدیدآمیز و بی‌ثبات-کننده متهم شده است (Cabinet Office, 2018: 6).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی که «رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا، با کدام خوانش از اسلام در منطقه غرب آسیا انطباق بیشتری دارد و لندن توسعه کدام قرائت از اسلام را ترجیح می‌دهد؟» به رشته تحریر درآمده است. بیان شد که در حال حاضر سه قرائت از اسلام به عنوان سه مدل حکومتی رقیب سعی دارند تا خود را به عنوان الگوی برتر در منطقه غرب آسیا معرفی کنند. طبعاً اقبال ملت‌های مسلمان منطقه به هر یک از این الگوها در کنار پیامدهای سیاسی-اجتماعی آن، تأثیرات متعددی را بر منافع ملی بریتانیا در بر دارد؛ به همین علت لندن در چارچوب تأمین منافع خود نسبت به مدل‌های سه‌گانه حکومتی رقیب در غرب آسیا بی‌تفاوت نیست بلکه در قبال هر یک از آنها راهبرد و سیاستی ویژه را در دستور کار قرار داده است.

گرچه یکی از اهداف دیپلماسی عمومی بریتانیا در بازه زمانی میان‌مدت تا بلندمدت، متقاعد کردن کشورهای اسلامی در خصوص این نکته است که «انگیزه دولت انگلیس دشمنی با اسلام نیست» اما تمرکز مقامات لندن بر «مسأله اسلام‌هراسی» با تأکید بر اقدامات افراط‌گرایان نشانگر آنست که هسته مرکزی دیپلماسی عمومی بریتانیا ضدیت با اسلام و اسلام‌گرایی بنیان نهاده شده است. با این وجود دیپلماسی عمومی بریتانیا ناگزیر است تا برای توجیه اقدامات و تأمین منافعش در غرب آسیا به عنوان مهد اسلام، در مواجهه با قرائت‌های مختلف از اسلام و مدل‌های برآمده از آنها جهت‌گیری خود را مشخص نماید. قبول این واقعیت که فرهنگ غرب آسیا با اسلام عجین شده، دیپلماسی



عمومی بریتانیا را به سمتی سوق داده است تا برای افزایش منفعت خود در مقابل الگوهای سه‌گانه دست به گزینش زده و اولویت‌هایش را مشخص کند.

از این‌رو مؤلفه‌های اسلام سکولار در ترکیه مبتنی بر اندیشه‌های سیاسی حزب عدالت و توسعه، اسلام وهابی در عربستان سعودی بر اساس تفکرات وهابی و اسلام ناب محمدی بر مبنای اندیشه رهبران انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توضیح داده شد.

هم‌خوانی این قرائت‌های سه‌گانه از اسلام با منافع لندن نشان داد: قرابت نگرشی، فرهنگی و سیاسی تلقی اسلام سکولار بر اساس مدل سیاست‌ورزی آن در ترکیه در جهت منافع دولت انگلیس است، لذا دیپلماسی عمومی بریتانیا در مجموع رویکردی مثبت به این الگو دارد. برخلاف مدل اسلام سکولار در قرائت وهابی از اسلام، هیچ‌گونه اشتراک معناداری میان مؤلفه‌های این مدل با مبنای اندیشه سیاسی دولت بریتانیا وجود ندارد اما در صحنه عمل سیاسی به دلیل وجود منافع مشترک به ویژه در خصوص شیعه هراسی، ایران‌هراسی، همسویی با مواضع ایالات متحده و کم توجهی به مسأله فلسطین، دیپلماسی عمومی بریتانیا رویکرد کاملاً منفی در قبال این قرائت اتخاذ نمی‌کند. ضمن آنکه خشونت وهابیون تکفیری، محمل مناسبی برای رسانه‌های انگلیسی فراهم نموده تا بر کوس اسلام‌هراسی بدمند. در واقع افراط‌گرایی رژیم سعودی در غرب آسیا موجب شده تا دستاویز و بستر مناسب برای بنگاه‌های خبری بریتانیا جهت تخریب اسلام‌گرایی مهیا شود که البته در مغالطه‌ای آشکار رسانه‌های بریتانیایی این اقدامات را ثمره اندیشه اسلام ناب محمدی معرفی می‌کنند.

واضح است که اسلام ناب محمدی نه در حوزه اندیشه و نه در صحنه سیاست عملی، هیچ قرابتی با منافع دولت بریتانیا ندارد. ضمن آنکه به دلیل ماهیت وحیانی و انقلابی خود، انگاره‌های اندیشه سیاسی غرب را زیر سؤال برده و با اقداماتش عملاً در خلاف جهت منافع بریتانیا حرکت می‌کند. لذا دیپلماسی عمومی بریتانیا به دلایل

یاست پژوهی

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب



ماهوی هیچ‌گاه رویکرد مثبتی نسبت به اسلام ناب محمدی و مدل حکومتی آن در جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت. پتانسیل بالای الگوی جمهوری اسلامی ایران در کنار رویکرد کاملاً منفی دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال آن، موجب شده تا این بخش از دستگاه دیپلماسی انگلیس برای کنترل و مهار اسلام ناب از همه ظرفیت خود در مقابل آن استفاده کند. به همین دلیل نهادهای مرتبط با دیپلماسی عمومی بریتانیا از جمله وزارت امور خارجه این کشور، شورای بریتانیایی و شبکه سلطنتی انگلیس موسوم به بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی در سال‌های اخیر علی‌رغم اختلافات فاحش میان قرائت اسلام سکولار و وهابی در حوزه اندیشه، برای همسوسازی ترکیه و عربستان سعودی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران تلاش فراوانی نموده‌اند.



فهرست منابع

الف) فارسی

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033>
۲. _____ . بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24378>
۳. _____ . بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>
۴. _____ . بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22788>
۵. _____ (۱۳۹۳). ۱۳۹۳/۰۷/۰۸، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=27793>
۶. اطهری، سید اسدالله (۱۳۸۹). «اهداف حزب عدالت و توسعه از الحاق به اتحادیه اروپا (۲)»، وبسایت پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۹/۳/۱، قابل دسترسی در: <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/967/-2.aspx>
۷. سیدامامی، کاووس و حسینی فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰). «زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان در بریتانیا»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال هفتم، شماره دوم.
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (همراه با اصلاحات سال ۱۳۶۸)
۹. یاوز، م.هاکان (۱۳۸۹). سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه: احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

ب) انگلیسی

10. Al Faisal, Turki (2013), "Saudi Arabia's New Foreign Policy Doctrine in the aftermath of the Arab Awakening", King Faisal Center for Research & Islamic Studies.
11. Beaumont, Peter (2011), "Political Islam poised to dominate the new world bequeathed by Arab spring", The Guardian, date: 3 December 2011, in: <https://www.theguardian.com/world/2011/dec/03/political-islam-poised-arab-spring>
12. Bingham, John (2015), "Number of 'Muslim' children in Britain doubles in a decade", Telegraph Media Group, date: 11 Feb 2015, in: <http://www.telegraph>.



- co. uk/news/religion/11406700/Number-of-Muslim-children-in-Britain-doubles-in-a-decade. html
13. Burke, Edward (2014), "An awkward embrace: The UK's re-emerging role in the Middle East", FRIDE and Hivos, N° 186.
 14. Cabinet Office, (2018), *National Security Capability Review*, HM Government.
 15. Cameron, David, (2012), "David Cameron's address to the United Nations General Assembly", Official website of UK government, Date: 26 September 2012, Available at: <https://www.gov.uk/government/speeches/david-camerons-address-to-the-united-nations-general-assembly>
 16. Cameron, David, (2012), "Three steps to secure Israel's future", Official website of UK government, Date: 15 October 2012, Available at: <https://www.gov.uk/government/news/three-steps-to-secure-israels-future>
 17. Cameron, David (2016), "David Cameron defends Britain's alliance with Saudi Arabia and rejects accusations it funds Isis", Independent, Date: 18 January 2016, in: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/david-cameron-defends-britains-alliance-with-saudi-arabia-and-rejects-accusations-it-funds-isis-a6819106.html>
 18. Davidson, Lawrence (2009), *Foreign Policy*, Inc. Privatizing America's National Interest, The University Press of Kentucky.
 19. Davutoglu, Ahmet (2016), "Turkish PM says secularism will be in new constitution", Reuters, Date: 27 Apr 2016, in: <http://www.reuters.com/article/us-turkey-politics-constitution-idUSKCN0X00W0>
 20. Demirtaş, Serkan (2015), "UK assures Turkey of NATO support", Dailynews, Date: 13 November 2015, in: <http://www.hurriyetdailynews.com/uk-assures-turkey-of-nato-support-.aspx?pageID=238&nID=91093&NewsCatID=352>
 21. Djerejian, Edward P. (2003), "Changing Minds Winning Peace: a new strategic direction for us public diplomacy in the Arab & Muslim world", Report of the Advisory Group on Public Diplomacy for the Arab and Muslim World, Submitted to the Committee on Appropriations us house of representatives.
 22. Esposito, John L. (2010), *The Future of Islam*, Oxford University Press.
 23. FCO (2016), "Foreign Office warns British-Iranian nationals of detention risk in Iran", The guardian Date: 20 July 2016, in: <https://www.theguardian.com/world/iran-blog/2016/jul/20/foreign-office-warns-british-iranian-nationals-of-detention-risk-in-iran>
 24. Fisher, Ali (2009), "Four Seasons in One Day: The Crowded House of Public Diplomacy in the UK", *Routledge Handbook Of Public Diplomacy*, Edited by Nancy Snow Philip M. Taylor, by Routledge: Taylor & Francis Group.
 25. Gause III, F. Gregory (2011), "Saudi Arabia in the New Middle East", The Council on Foreign Relations (CFR).
 26. Griffiths, Martin and O'Callaghan, Terry (2002), *International Relations: The Key Concepts*, Routledge: Taylor & Francis Group.
 27. Hague, William, (2011), "Foreign Secretary visits Saudi Arabia", Official website of UK government, Date: 5 July 2011, Available in: <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-visits-saudi-arabia>
 28. Kalin, İbrahim (2011), "Soft Power and Public Diplomacy in Turkey", Perceptions, Autumn 2011, Volume XVI, Number 3.
 29. Kart, Emine (2016), "Turkey's ruling AKP invites Israel's top diplomat in Ankara to traditional iftar", Daily News, Date: 27 June 2016, In: <http://www>



- hurriyetdailynews. com/turkeys-ruling-akp-invites-israels-top-diplomat-in-ankara-to-traditional-iftar. aspx?pageID=238&nID=100946&NewsCatID=510
30. Leonard, Mark and Small, Andrew and Rose, Martin (2005), "British Public Diplomacy in the 'Age of Schisms'", The Foreign Policy Centre.
 31. Matthiesen, Toby (2015), "the domestic sources of Saudi foreign policy: Islamists and the state in the wake of the Arab Uprisings", Brookings Institution.
 32. Osborne, Samuel (2016), "Iran is the main state sponsor of terror, US report finds", The Independent, Date: 3 June 2016, in: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iran-isis-terrorism-main-state-sponsor-of-terror-us-state-report-finds-a7063181.html>
 33. Poole, Elizabeth (2016), "How is Islam represented on the BBC?", Opendemocray Institution Date: 15 March 2016, in: <https://www.opendemocracy.net/ourbeeb/elizabeth-poole/how-is-islam-represented-on-bbc>
 34. Pratkanis, Anthony (2009), "Public Diplomacy in International Conflicts: A Social Influence Analysis", *Routledge Handbook Of Public Diplomacy*, Edited by Nancy Snow Philip M. Taylor, by Routledge: Taylor & Francis Group.
 35. Reinhard, Keith (2009), "American Business and Its Role in Public Diplomacy", *Routledge Handbook Of Public Diplomacy*, Edited by Nancy Snow Philip M. Taylor, by Routledge: Taylor & Francis Group.
 36. Taşpınar, Ömer (2012), "Turkey: The New Model?", Brookings Institution, Date: April 2012, in: <http://www.brookings.edu/research/papers/2012/04/24-turkey-new-model-taspinar>.

یاست پژوهی

رویکرد دیپلماسی عمومی بریتانیا در قبال قرائت‌های سه‌گانه از اسلام در غرب

